



۲۰۲۰/۰۳/۰۲



احسان الله مایار

پاکستان بار دیگر در بازی بزرگ افغانستان پیروز شد (قسمت اول)

تکرار رویداد تاریخی پس از سی و هفت سال-

روز ۲۹ فبروری ۲۰۲۰ مطابق با ۵ رجب ۱۴۴۱ هجری قمری و ۱۰ حوت ۱۳۹۸ هجری شمسی موافقت نامه امریکا و طالبان پس از ۱۱ دور مذاکره بین نمایندگان ایالات متحده امریکا به ریاست شخصیت شناخته شده افغان امریکائی، داکتر زلمی خلیلزاد و نمایندگان تحریک طالبان که در مرحله نهائی ملا عبدالغنی برادر از حبس پاکستان رهائی یافت و در دوحه، پایتخت قطر ریاست مذاکرات طرف طالبان نظر به هدایت و ایجاب یک چهره مورد ضرورت امریکا به عهده وی قرار داده شد، بعد از مرور حدود هژده ماه، روز شنبه، دهم حوت، به امضا رسید.

درباره محتوی و متن موافقت نامه به خود اجازه داده نمی توانم بحث نمایم، زیرا موضوع از صلاحیت علمی بنده خارج می باشد، لیک بنابر علایق و تشبث در قضایای افغانستان که بخش مهم عمر خود را در این راه به ودیعه گذاشته ام می توانم روی گزارشاتی نظر به کفایت ذهنی ام تدقیق و بحث نمایم. فکر می کنم باز شدن چنین دروازه های فکری امکاناتی را میسر گردانیده می تواند که توجه کارشناسان را در قضیه جلب کند و در مجموع محتوی آن مطالبی سچ در تاریخ معاصر افغانستان برای انتخاب گرفتن نسل های جوان امروزی و آینده افغانستان تقدیم نموده و از این طریق خدمتی کرده باشد.

نسل ما با تأسف و اندوه بزرگتر از طاقت انسانی شاهدیم که بعد از جمع شدن گلیم نظام خجسته شاهی و سقوط جمهوری بد شگون اول با سرنوشت ملت افغان چنان بیرحمانه و با سُبُک نظری معامله شده که در طول تاریخ کمتر ممالک جهانی رخ داده است.

سرنوشت ملت معصوم گروگان گرفته توسط نوکران دون صفت بیگانگان وسیله ای بوده تا کتله ای به مراد سخیف و خواسته های پلید شان برسند.

از سال ۱۹۷۸ م تا دیروزی که اشرف غنی به قدرت رسانیده شد هر که آمد و رفت غیر از جفا خدمتی به بقای افغانستان و گسترش پرتو صلح در افغانستان دیگر نشانه ای از خود باقی نگذاشتند.

زامداران پاکستان، آب نوشیدگان از دست انگلیس، لیک به خاک و ملت خود صادق بودند و هستند از افزار حمایت منافع ملی خود نهایت استفاده نموده و از یک تعداد محدود که به چاکری و وفای شان شک و تردید نداشتند حد اعظم بهره بردند.

هفت نفر را به نام رهبر تراشیدند و مردم آزادیخواه و مسلمان افغان را به هفت گروه تفریق نمودند. مردم علیه الحاد و حاکمیت بیگانه برای آزادی وطن خود جنگیدند که در نهایت صدها هزار شان کشته و ملیونهای شان مهاجر و گدای کشور های بیگانه شدند.

این است بیلابس بزرگترین تراژیدی در تاریخ افغانستان و بد تر از همه که با وجود این همه قربانی ها شخصی و یا گروهی بنام مدافع ملی افغان در ساحة سیاسی و خدمت به وطن سر بالا نکرده که باز هم همان بازیگران اصلی مانع به وجود آمدن شان شده توانست.

آغاز سال ۱۹۸۳م نویدی در قبال خود نهفته داشت که در آن اخراج قوای شوروی از افغانستان در بطن زمانه قرار گرفته بود.

جهت بر آوردن این مأمول کنفرانس سازمان ملل در ژنیو دائر گردید و دایهٔ مهربانتر از مادر به نمایندگی ملت افغان با نمایندگان رژیم دون همت کابل داخل مذاکره غیر مستقیم شدند. ملت افغان در برابر نظام منحط جنگید و قربانی داد و در نهایت صلاحیت شان غصب گردید که نشانهٔ از وجود شان در اوراق تاریخ وجود ندارد.

جهت تنویر اذهان خوانندگان گرامی به اثر اینجانب "قیام ملت افغان" در جلد سوم و صفحات ۳۷-۴۵ آن مراجعه نمودم تا از حوادثی در آن برههٔ زمان رو داده بود مطلع بوده و مستحضر باشند که نظر به حکم وجدان برادران شان با در نظر داشت منافع ملی افغانستان تپیده اند لیک به هدف مقصودی که رسیدن به آن با دژ عظیم مسدود گردیده بود نرسیده اند.

۱۹۸۳-۴-۱۷ منزل داکتر محمد یوسف در نیووید.

حاضرین مجلس:

داکتر ولید حقوقی، داکتر غلام محمد نیاز، داکتر امین فرهنگ، داکتر عطا محمد نورزای، داکتر سوما، داکتر سعید سمعی، همایون شاه آصفی و انجنیر مایار

داکتر محمد یوسف در باره اجلاس وزاری خارجه پاکستان و رژیم کابل به حاضرین معلومات داده و هر کدام بالنوبه مطالبی در باره بیان داشتند. سهم نداشتن و یا سهم ندادن به نماینده و یانمایندگان مجاهدین در مذاکرات ژنیو باعث نگرانی همه گردیده و از اینکه در باره آیندهٔ افغانستان نمایندگان رژیمیکه ملت افغان در برابرش قیام کرده با حکومت پاکستان تصمیم میگیرند اظهار تأسف کردند. تأسف بیشتر در محور کمبود يك ارگان سیاسی در حلقات جهادی میچرخید که این کمبود باعث اینهمه مشکل گردیده است. ضمن صحبت موافقه شد تا هیئتی به ژنیو رفته و سعی شود تا با وزیر خارجهٔ پاکستان و اعضای معیتی وی تبادل نظر صورت گرفته بتواند.

هیئت اجرائیه تصویب کردند تا داکتر محمد یوسف، همایون شاه آصفی و اینجانب، مایار به ژنیو سفر کنند و در آنجا با سید قاسم رشتیا و داکتر عبدالحکیم طیبی مشوره کرده امکانات ملاقات و مذاکره را با صاحبزاده یعقوب خان، وزیر خارجه پاکستان بدست آرند.

۱۹۸۳-۴-۱۸

به معیت داکتر محمد یوسف، همایون شاه آصفی توسط موتر جانب ژنیو عزیمت و شام روز بدانجا مواصلت نمودیم. در هتل گراند پری HOTEL GRAND - PRE اطاق گرفته و با سید قاسم رشتیا و عبدالحکیم طیبی تلفونی صحبت کرده، و قرار گذاشته شد تا فردا در دفتر طیبی با هم ببینیم.

۱۹۸۳-۴-۱۹ دفتر داکتر طیبی در ژنیو

حاضرین مجلس:

داکتر محمد یوسف، سید قاسم رشتیا، داکتر عبدالحکیم طیبی، همایون شاه آصفی و انجنیر احسان الله مایار. داکتر محمد یوسف در باره جریان کنفرانس غیر مستقیم وزرای خارجه پاکستان و افغانستان که در حال حاضر در ژنیو دائر است صحبت کرد، وی در باره اسلوب کنفرانس و همچنان اجندای آن انتقاد کرده اظهار داشت که مجاهدین افغانی بطور عمدی و بنا بر تقاضای روسها و رژیم کابل از حلقه کنفرانس بیرون نگهداشته شده تا با این طرز العمل ماهیت جهاد و انگیزه اصلی قیام ملت افغان را ناچیز شمرده دست اندکاران شوروی و رژیم کابل جهاد افغانستان را برسمیت نشناسند. کنفرانس ژنیو بین نمایندگان رژیم دست نشانده شوروی و پاکستان، که صلاحیت مردم افغان را بخود تفویض کرده، یقیناً چنانیکه خواسته ملت افغان و به نفع افغانستان باشد، بیحاصل و بی ثمر است. بعد از توضیح مختصر از دوستان خواهش کرد که در باره چگونگی کنفرانس و همچنان در باره دستاورد آن به نفع افغانستان نظر دهند.

رشتیا: طوری مینماید که پاکستانی ها بیشتر علاقه دارد تا میکانیزمی را خلق کنند که هر چه سریعتر امکانات باز گشت مهاجرین افغانی از پاکستان به افغانستان عملی گردد و از فشار اجتماعی و اقتصادی آنها رهایی یابند. طیبی: در اصل اجندای کنفرانس چهار فقره داخل است که قرار معلوم در حال حاضر بیشتر بالای بیرون کشیدن قوای شوروی از افغانستان و عودت مهاجرین افغانی به اوطان شان بحث صورت میگیرد و به سه فقره دیگر آن اشترک کنندگان کنفرانس کمتر علاقه دارند، از اینرو باید سعی شود تا مطالب داخل اجندا طور کل مورد بحث قرار گیرد.

مایار: در باره سفر اخیر در پاکستان به اختصار معلومات داده و همچنان اظهار داشت که رهبران تنظیم ها و احزاب بنا بر مجبوریت ها و وضعی که دارند از خود صلاحیت نداشته و در تصمیم گیری خود اختیار ندارند. دستگاه استخبارات نظامی پاکستان که در اصل کار گردان امور جهادی می باشد حاضر نیست که رهبران جهاد در تصمیم و اعمال خود استقلال داشته باشند. اشاره به گفتار داکتر محمد یوسف کرده، اضافه کرد که بنا بر این پاکستانی ها هر گونه صلاحیت تصمیم گیری را بخود منحصر نموده و هر آنچه را خواسته باشند، بدون در نظر گرفتن موقف رهبران جهاد و افغانها عملاً انجام میدهند.

آصفی: در باره کمبود سخنگوی سیاسی در محافل بین المللی توضیح داده و انگیزه بوجود آمدن " جمعیت تحکیم و حدت، اسولا" را همین کمبودی ها وانمود کرد، وی علاوه کرد که باید با رهبران جهادی تماس گرفته و آنها را متقاعد گردانیم که جهت بوجود آوردن ارگانی که متضمن پیشروی فعالیت های سیاسی جهاد باشد با ما همکاری کنند.

داکتر یوسف: پس از نتیجه گیری از صحبت ها در باره ملاقات با وزیر خارجه پاکستان نظر خواهی کرد. وی همچنان از داکتر طیبی خواهش کرد که با برهان الدین ربانی که (فعلاً در ژنیو است) تماس گرفته و امکان ملاقات با وی را میسر سازد.

حاضرین این دیدار را لیبیک گفته و به آصفی، بنا بر روابط شخصی ایکه با وزیر خارجه پاکستان (محمد یعقوب خان) دارد، وظیفه داده شد تا امکان ملاقات با او را فراهم آورد.

آصفی از دفتر طیبی با سفارت پاکستان تماس گرفت و طرف مقابل وعده کرد که بعد از ظهر نتیجه را در هوتل به وی خبر می دهد.

رشتیا: مذاکرات فعلی را ظاهراً جالب و لیکن در متن آن خلاهای را می بیند. وی عقیده دارد که کوردو ویز در نظر دارد که رژیم کابل بحال خود باقی مانده و از نقطه نظر بافت های قومی و همچنان سهیم گردانیدن اشخاص بیطرف تقویه شود. مطلب بعدی موضوع عودت مهاجرین افغانی به افغانستان میباشد و بس.

طبیعی: در باره عین مطالب توضیحات بیشتر داده و اظهارات رشتیا را تأیید کرد.

داکتر محمد یوسف: با تأسف اظهار داشت به وی راپور رسیده (احتمالاً توسط یکی از رهبران) که جنرال ضیاء الحق با رهبران جهاد ملاقات کرده و از ایشان صلاحیتی بدست آورده که وزارت خارجه پاکستان بدون حضور شان در کنفرانس ژنیو از آنها نمایندگی کند.

ساعت ۳،۳۰ بعد از ظهر شخصی بنام مهدی از نمایندگی پاکستان در ژنیو تلفون کرد (چون آصفی بدیدن کسی از هوتل بیرون رفته بود در هوتل نبود) با من صحبت نموده گفت وزیر خارجه فردا ساعت ۱،۱۵ بعد از ظهر انتظار داکتر محمد یوسف و هیئت معیتی شانرا برای صرف نهار و مذاکره در هوتل برگز BERGUES دارد. از دعوت شان تشکر کرده، و عده کردم فردا به هوتل میرسیم.

از پیام تلفونی به داکتر محمد یوسف اطلاع دادم و بعد از ساعتی آصفی نیز به هوتل رسیده در اطاق داکتر یکجا شدیم و در باره مذاکرات فردا تعاطی نظر کردیم.

خلاصه مطالبیکه فردا در باره صحبت شود:

- پاکستان مسائل گذشته را فراموش کند و در برابر روسها با ملت افغان جبهه متحدی تشکیل دهد تا روس ها از افغانستان اخراج گردند و هویت افغانستان مانند گذشته دوباره احیاء گردد.

- از اینکه در مذاکرات غیر مستقیم در ژنیو نماینده و یا نمایندگی از آنها بکند باعث نگرانی ما است، زیرا هر فیصله بدون موافقه نمایندگان جهادی در عمل موفق نبوده و منجر به ناکامی میگردد.

- مجاهدین افغانی بایست در اتحاد سرتاسری و واقعی بسیج و سخنگویی در صحنه سیاسی از بین خود، با مشوره قشر روشنفکر، وطندوست و خدا پرست، تعیین کنند تا خلای امروزی از بین برده شود.

- داکتر محمدیوسف که قبلاً با صاحبزاده یعقوب خان، وزیر خارجه پاکستان در نیویارک ملاقات کرده بود به خاطر دارد که وزیر خارجه به وی گفته بود روسها حاضرند با کتله از افغانهای سرشناس تماس برقرار کنند.

داکتر محمدیوسف در نظر دارد که این موضوع را با وزیر خارجه بار دیگر مطرح نموده و توضیح دهد که برقراری چنین تماس ها بدون سهم داشتن رهبران جهادی يك عملیه خطرناك بوده اگر حکومت پاکستان چنین مفکوره ایرا تقویه کند.

- نظر خواهی وزیر خارجه در باره سهمگیری مستقیم اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، پادشاه سابق.

- بوجود آمدن يك افغانستان قوی با نظام قابل اعتماد به نفع کشورهای منطقه و صلح جهانی بوده و باید پاکستان این مطلب را در نظر داشته باشد. بطور مثال داکتر محمد یوسف یاد آوری میکند که مردم افغانستان و پاکستان برادر اند، چنانیکه در زمان صدارت وی روابط حسنه و همکاری بین کشورهای مسلمان این ادعا را ثابت میسازد.

- همه اشخاص شناخته شده سرشناس افغانستان حاضر و آماده می باشند تا در پروسه صلح افغانستان بحیث مؤید قدرت های جهادی سهم داشته باشند.

- نظر پاکستان در مورد ایجاد اداره ای انسجام در پاکستان سهمگیری اشخاص سرشناس افغانستان در این اداره.

در اخیر صحبت داکتر محمد یوسف اظهار داشت که قبل از عزیمت به ژنیو با اعلیحضرت در روم تلفونی صحبت کرده است. اعلیحضرت دیدن با وزیر خارجه پاکستان را با تعاطی افکار در مورد مطالبیکه در بالای قید گردید، تأیید کرده اند.

۱۹۸۳-۴-۲۰ ساعت ۱۵، ۱ هوتل برگز BERGUES در ژنیو

در حال هوتل وزیر خارجه پاکستان با هیئت معیتی خود از داکتر محمد یوسف و همکارانش صمیمانه پذیرایی کرد.

در سالون جدا گانه ترتیب مذاکرات گرفته شده بود.

حاضرین مجلس:

از طرف پاکستان:

آقایون صاحبزاده یعقوب خان، وزیر خارجه، نیاک، فارن سکرتری، داکتر همایون مدیر عمومی سیاسی و مهدی کار گردان نمایندگی پاکستان در ژنیو

از طرف افغانی:

آقایون داکتر محمد یوسف، سابق صدر اعظم افغانستان، عضو شورای اجرائیه جمعیت تحکیم وحدت، اسولا، همایون شاه آصفی و اینجانب احسان الله مایار (اعضای شورای اجرائیه اسولا)

بعد از تعارفات معموله، وزیر خارجه پاکستان در باره روند مذاکرات و مطالبیکه در آن تحت بحث است با تفصیل معلومات داد. نکات برجسته کنفرانس غیر مستقیم بین پاکستان و افغانستان با میانجیگری نماینده خاص سرمنشی ملل متحد برای امور افغانستان بالای بیرون کشیدن عساکر شوروی از افغانستان و عودت آبرومندانه مهاجرین افغانی به اوطان شان متمرکز میباشد، وی علاوه کرد که هیئت پاکستان احساس میکند که اتحاد شوروی در زمینه بیرون کشیدن قوای نظامی خود از افغانستان باب مذاکرات را بسته نکرده، بلکه میتواند با صراحت در این باره به تعیین وقت بیرون کشیدن عساکر و تعداد آن اشاره کرد.

بعد از استماع بیاناتات یعقوب خان، داکتر محمد یوسف اظهار داشت:

ما که جهت تعاطی نظر باعث زحمت شما شده ایم انگیزه آن در نگرانی ما نسبت به این کنفرانس است که با شما بحیث یك برادر همسایه و مسلمان در اینبار مشوره می کنیم.

از اینکه مردم و حکومت پاکستان، در این مقطع زمان که کشور افغانستان و ملت مظلوم آن با بزرگترین بدبختی دست بگریبان است، به صفت یك دوست غم شریک بار مشکل ما را تحمل میکنند، اظهار سپاسگذاری میکنیم.

ما کنفرانس ابتکاری کوردویز، نماینده خاص ملل متحد را جدی تعقیب می کنیم و همچنان در مورد گنجاندن فقره های داخل اجندا و سهمگیرندگان اجلاس گفتنی هایی داریم.

طوریکه در روند کنفرانس واضح گردیده، طرفین در گیر در جنگ، یعنی رژیم دستنشانده شوروی در کابل و ملت افغان که بر ضد شان قیام و اعلان جهاد کرده، صرف یك طرف آن شامل مذاکرات غیر مستقیم بوده، وظیفه و مسئولیت طرف مخالف رژیم کابل را کشور دوست ما، پاکستان بعهده گرفته و سعی میکند تا بنام مردم مجاهد افغانستان از حقوق پامال شده ملت افغان دفاع کند.

وی اضافه کرد: ما مستشعر از آنیم که اتحاد شوروی متجاوز و حامی رژیم دست نشانده کابل سعی میکند برسمیت شناختن مدافعین حقوق مردم افغانستان را که توسط مجاهدین افغانی تمثیل میگردد نادیده گرفته و طوری وانمود نماید که کتله از مخالفین رژیم کابل، طوریکه در قیام مردم کشورهای آسیای مرکزی بنام (باسمچی) یاد می شدند، صلاحیت پارتتر بودن و شمول در مذاکرات یافتن راه حل بحران افغانستان را ندارند، خطریکه از این ناحیه در تصمیم گیری و توافقات در غیاب مردم مجاهد افغان عرض اندام خواهد کرد، ضرورت به شرح و بسط ندارد.

داکتر محمد یوسف اضافه کرد: کشور شما با افغانستان نمیتواند طرف معامله باشد. البته کشور شما، در صورتیکه رژیم کمونیستی با حمایت اتحاد شوروی و موجود بودن عساکر شوروی در سرحدات بین افغانستان و پاکستان مستقر گردد، بحق میتواند بیم از آینده خود داشته باشد، زیرا اتحاد شوروی توسعه طلب یقیناً به اشغال افغانستان اکتفا نخواهد کرد و خواب های تزارهای روسی را، که رسیدن به آب های گرم بحر هند است، در عمل پیاده خواهد کرد. لیکن امروز اکثریت ملت افغان است که بر ضد رژیم تحمیل شده قیام کرده و قربانی میدهند و با ما همنا خواهید بود اگر ادعا کنیم که ما افغانها حق داریم در باره آینده خود نیز شامل بوده و در اتخاذ تصمیم شریک باشیم.

صاحبزاده یعقوب خان در جواب دادن تا حدی بمشکل مواجه گردیده و بیشتر از خدمات پاکستان در راه اعاده صلح در افغانستان و همبستگی های قومی و نژادی را یاد آوری کرد و در هر بار اشاره به منافع افغانستان میکرد. در صحبت خود واضحاً گفت که حکومت پاکستان بنابر اینکه چنین کنفرانسی بوجود آید مجبور گردید تا بعضی کمپرومی ها را قبول کند که از جمله سهم نکردن نمایندگان مجاهدین در این کنفرانس است. اتحاد شوروی با تمام قدرت پافشاری داشت که از نمایندگان مجاهدین یاد نشود، زیرا در آن صورت برسمیت شناختن مجاهدین را معنی میدهد و آنها با این روش موافقه نداشتند. یعقوب خان اضافه کرد که در بین رهبران مجاهدین هم با مشکلات روبرو هستیم و هر قدر سعی کردیم تا در بین شان اتحاد واقعی بوجود آید موفق نشدیم تا از بین ایشان یک نفر به صفت سخنگوی شان قبول گردد.

داکتر محمد یوسف در باره این تفسیر وزیر خارجه تبسمی کرده و بوی تفهیم کرد که با وی هم عقیده نمی باشد. وزیر خارجه پاکستان از حالت دفاعی خود را بیرون کرده و از داکتر محمد یوسف سوال کرد: در صورتیکه کمبود اشتراک نمایندگان مجاهدین را در این کنفرانس لازمی میدانید، پس موافقه دارید تا این کنفرانس را در همین جا خاتمه داده و در صدد تغییر عقیده کوردویز شویم و ویرا متقاعد سازیم تا سر از نو، بادر نظر داشت شرکت نمایندگان مجاهدین، اقداماتی جدیدی را رویدست گیرد.

این سوال مستقیم طرف افغانی را با مشکل مواجه کرد و داکتر محمد یوسف بعد از مکث مختصر به جواب یعقوب خان گفت: در پرنسیپ شامل نبودن نمایندگان مجاهدین در کنفرانس اشتباه بزرگ بوده و نمیتوان آنرا نادیده گرفت. از شما بحیث یک دوست واقعی افغانستان گله کرده میتوانیم که چرا قبل از آغاز مذاکرات با کوردویز جهت تدویر این کنفرانس با افغانها مشوره نکریدید و اکنون به مرحله رسیده که بازگشت از آن به ضرر مردم افغانستان بوده و دوام موجود بودن قوای شوروی را که باعث کشتار مردم بیگناه افغان و تباهی کشور میگردد، میسر میگردد، هیچ افغان تحمل یک ساعت بیشتر موجود بودن قوای شوروی را در افغانستان ندارد و ما در این حلقه کوچک از این امر مستثنی نیستیم.

داکتر محمد یوسف عمداً مسیر صحبت را تغییر داده و از یعقوب خان، بحیث یک دوست افغانستان، تقاضا کرد تا اماکنات ایجاد اداره ایرا در پاکستان برای " جمعیت تحکیم وحدت " بین مجاهدین میسر گرداند. وی علاوه کرد که یک تعداد قابل توجه مامورین سابقه دار نظامی و ملکی افغانستان حاضرند تا در این پروسه همبستگی سهم عملی داشته و در آینده با مشوره شخصیت های مانند شما در راه اعاده صلح قدمهای مثبتی گذارند.

داکتر محمد یوسف طور برجسته از سهمگیری اعلیحضرت پادشاه سابق افغانستان یاد کرده گفت که اعلیحضرت خواستار یک ساختمان بزرگ اتحاد سرتاسری بین قدرت های جهادی بوده و آماده تشریک در خدمت وطن و ملت افغان میباشد.

یعقوب خان با خورسندی و ادای چند جمله به لسان دری به لهجه اردو وعده کرد که وی بنا بر علایق و پیوند عمیقی که به افغانستان و مردم آن دارد منافع افغانستان را از یاد نبرده بلکه مانند یک برادر برای برقراری صلح در افغانستان خدمت خواهد کرد و همچنان گفت که در بازگشت به پاکستان با مقامات مربوط در باره ایجاد اداره ای، طبق خواسته مردم سابقه دار افغانی، مشوره خواهد کرد و از اقدام خود به وی اطلاع خواهد داد.

صحبت ها تا ساعت ۳،۲۰ با احترام متقابل و صراحت لهجه دوام کرده و با تعهد دیدن و مشوره در آینده خاتمه یافت.

حوالی ۸ شب سید قاسم رشتیا و داکتر طبیبی به هتل آمدند و برای شان در باره ملاقات با وزیر خارجه پاکستان معلومات داده شد. داکتر طبیبی در مورد ملاقات با برهان الدین ربانی و داکتر محمد یوسف گفت که فردا بعد از ظهر در منزل داکتر طبیبی و یا کدام جای دیگری قرار گذاشته شده که با هم ببینند و موافقه شد تا صرف داکتر محمد یوسف و داکتر طبیبی با وی ببینند.

(یاد آوری: از اینکه داکتر محمد یوسف از سید قاسم رشتیا و داکتر طبیبی نخواست در مذاکرات با وزیر خارجه پاکستان شامل باشند نزد سوال خلق گردید لیکن درباره انگیزه این تصمیم کنجکاوی را لازم ندیدم).

۱۹۸۳-۴-۲۱ ژنیو

یک تعداد افغانهای مقیم ژنیو و شهرهای نزدیک آن از سفر داکتر محمد یوسف اطلاع یافته و از روز ورود به این شهر دسته دسته تشریف می آورند. امروز تعداد کثیری از ایشان (متأسفانه لست اشخاص در بین یاد داشتهایم نبود) به هتل آمدند و در سالون جدا گانه در باره انگیزه سفر هیئت از آلمان و مذاکرات شان با وزیر خارجه پاکستان معلومات داده شد که مورد تأیید قرار گرفت.

بعد از ظهر داکتر محمد یوسف و داکتر طبیبی با هم ملاقات با برهان الدین ربانی رفتند و بعد از تقریباً سه ساعت باز گشتند. از طرز صحبت و گذارش ملاقات شان چنان معلوم شد که داکتر محمد یوسف درین دیدار آرزوی همکاری ایرا که از برهان الدین ربانی انتظار داشت بدست نیآورده و از آن متأثر است.

داکتر محمد یوسف با اعلیحضرت محمد ظاهر شاه تلفونی صحبت کرد و بعدش تصمیم گرفته شد تا فردا به ایتالیا سفر کنیم.

۱۹۸۳-۴-۲۲ ژنیو

بعد از خدا حافظی با افغانهای مقیم ژنیو حوالی ظهر بسوی ایتالیا حرکت کردیم. شب را به هوتلی در نزدیک میلان گذشتاندیم.

۱۹۸۳-۴-۲۳ روم

قبل از آنکه به روم برسیم در رستوران کنار شاهراه برای صرف طعام چاشت پایان شدیم. بعد از صرف غذا به موتر نزدیک شده دیدیم که شیشه دروازه عقبی موتر شکسته و محتویات داخل موتر رپوده شده بود. در بین اشیائیکه به یغما رفته کمره عکاسی گران بهای من و تمام اسناد همایون آصفی شامل بود. چون مراجعه نزد پولیس و صحبت با ایشان ضیاع وقت بوده مجبور با شیشه باز و و زش باد سرد بسفر خود ادامه داده و ساعت ۷ شام به هتل کولونی در روم پیاده شدیم.

شب ساعت ۸ جنرال عبدالولی و حمید نعیمی (یکی از دوستان و همکاران فامیل شاه سابق) بهوتل آمدند. مختصراً بحث روی مذاکره با وزیر خارجه پاکستان صورت گرفت و قرار گذاشته شد تا فردا برای صرف طعام چاشت در منزل جنرال عبدالولی رفته و ساعت ۳ بعد از ظهر با اعلیحضرت در منزل شان ببینیم.

۱۹۸۳-۴-۲۴ روم

ساعت ۱۱،۳۰ جنرال عبدالولی به هتل آمده و با هم یکجا بمنزل وی رفتیم، بعد از صرف طعام که شاهدخت بلقیس، همسر جنرال با پیشانی باز و لطف از ما پذیرایی و مهمانداری میکرد، ساعت ۲،۳۰ بقصد منزل اعلیحضرت حرکت و ساعت ۳ به آنجا رسیدیم.

بعد از مصافحه با اعلیحضرت، اشتراک کنندگان، داکتر محمد یوسف، جنرال عبدالولی، همایون شاه آصفی، و اینجانب گرد هم نشستیم در باره رویداد های اخیر صحبت آغاز گردید، داکتر محمد یوسف با تفصیل و نتیجه گیری از تعاطی افکار با وزیر خارجه پاکستان گزارش داده و از سهم نداشتن نماینده مخالفین رژیم، مجاهدین، ابراز نگرانی کرد.

بعد از استماع گزارشات، اعلیحضرت در باره چگونگی بوجود آمدن کنفرانس ژنیو و انگیزه آن صحبت کرده و کمبود صدای ملت افغان را از محور مشخص در چوکات جهاد باعث این نقیصه ارزیابی کردند. از طرف دیگر اعلیحضرت عقیده دارند تا هر چه زود تر، طبق نظر بحث شده با وزیر خارجه پاکستان، اداره ای انسجام در پشاور باز گردد و اشخاص وارد در امور سیاسی در پهلوی رهبران جهادی، بدون در نظر داشت موقف خاصی برای خود، به فعالیت آغاز کنند، این اداره می تواند تا حدی نواقص کمبود نمایندگان جهادی در کنفرانس ژنیو را رفع کند. روی این منظور هدایت فرمودند که رسیدن باین هدف را حق اولیت داده و سعی گردد تا موافقت حکومت پاکستان را جهت تشکل چنین ارگان بدست آورده و در صدد تمویل هزینه مصارف این دستگاه، بدون سهم داشتن و مداخله پاکستان، عملاً اقداماتی صورت بگیرد.

بعد از مباحثه در مورد چگونگی چنین ارگان در باره اشخاصیکه میتوانند در چنین پروسه سهم داشته باشند صحبت شد و لست مقدماتی آن تهیه گردید که باید در آینده تکمیل شود، اعلیحضرت از داکتر محمد یوسف خواست که مسئولیت این وظیفه را بدوش گرفته و در صورتیکه دفتری در پاکستان ترتیب داده میشود، در پاکستان بصورت متناوب اجرای این امر حیاتی را بعهده بگیرد، داکتر محمد یوسف، بدون کدام شرایط، پیشنهاد اعلیحضرت را به منظور خدمت به وطن و مردم مجاهد افغان پذیرفته و با اطمینان کامل اجرای این وظیفه را وعده کرد.

در حوالی ۷ شام اعلیحضرت با داکتر محمد یوسف به اطاق جدا گانه تشریف بردند و تا حوالی ۸ صحبت های باهم داشتند. بعداً در رستورانی که اعلیحضرت بعضی اوقات در آنجا طعام صرف میکنند دسته جمعی رفته و مهمان اعلیحضرت بودیم. ساعت ۱۲ بعد از خدا حافظی بهوتل مراجعه کردیم. همایون آصفی به منزل اعلیحضرت اطاقی برای اقامت طولانی خود، نسبت نداشتن اسناد سیر و سفر و تهیه مجدد آن از پاریس، تهیه کرد و از ما جدا شد.

۱۹۸۳-۴-۲۵ روم

جنرال عبدالولی با چند نفر از دوستانش برای خدا حافظی بهوتل آمده داکتر محمد یوسف و من بصوب المان از طریق سویس حرکت کردیم و بعد از گذشتادن يك شب در قصبه کوچکی بین ایتالیا و سویس شام ۲۶ به المان مواصلت کردیم، در طول سفر از هر طرف صحبت های داشتیم، طرز دید و بزرگواری این مرد افغان که بجز آزادی وطن و امید زندگی کردن در آنجا طی چند صباح باقیمانده عمرش آرزوی دیگری در سر نداشت، جز و خاطرات فراموس ناشدنی زندگیم میباشد.

داکتر محمد یوسف، این مرد دانشمند و عاشق افغانستان بمن گفت: " احسان میدانی که مسئولیت بزرگی بما راجع شده و کار ساده ای نیست که به تنهایی آنرا بجایی رسانید، ما باید در صدد آن شویم تا يك کتله افغانهای وطن دوست و بدون خود خواهی را در حلقه بزرگتری گرد هم بیاوریم و با هر مشکلی که باشد در پاکستان، بدون مداخله پاکستانی ها، ارگان انسجام جهادی را بوجود آوریم.

در قدم اول باید تو بزودی بار دیگر به پاکستان سفر کنی و در منطقه با کسانیکه برای پیشبرد چنین پروسه بزرگ خدمت کرده میتوانند تماس بر قرار کنی".

بجواب گفتم که مانعی نمی بینم، لیکن مهم اینست که در اینجا باید کارها جدی تر تعقیب شود تا در پاکستان با کسانیکه سر و کار داریم به ما اعتماد کرده بتوانند، زیرا ما نباید به مردم امیدواری های کاذب داده و باعث اختلافات بیشتر در بین شان شویم. داکتر صاحب (همیشه او را چنین خطاب میکردم) لحظه ای به چرت رفته و گفت: " راست می گویی ما سعی نهایی خود را میکنیم و متباقی امور را به خداوند (ج) می سپاریم، تو آمادگی سفرت را بگیر".

(یاد آوری: سرجمع فاصله رفت و آمد ۳۷۸۰ کیلومتر)

ادامه دارد

خداوندا ! افغانستان را به تو می سپارم